

اصول تحکیم خانواده بر تقویت نشاط درون خانواده

ابینا دهواری

کارشناسی ارشد برتامه ریزی درسی

چکیده

خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تأثیر و تأثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسانها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست مییابند و در خانواده های سالم و رشید به تکامل معنوی و اخلاقی نائل میشوند. لذا خانواده عامل کمال بخشی، سکونت، آرامش و بالندگی به اعضای خویش است که در تحولات اساسی جوامع نقش عمدهای ایفا میکند. در تعریف خانواده، بیان شده: خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب، سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی میکنند. عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند که در این مقاله به مهم‌ترین آنها پرداخته شده است؛ از جمله: حسن معاشرت در خانواده که در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود، نظم و انضباط که اسلام در هیچ یک از حوزه‌های جامعه خود به هرج و مرج معتقد نیست، بلکه همواره خواستار نظم و انضباط در همه ابعاد فردی یا همگانی است. توجه به یکسانی در آفرینش، همکاری و همدردی، اندیشه تساوی میان مرد و زن، همکاری و همدردی با خانواده باید در چارچوب آیین خدا باقی بماند و وسیله فساد، رشوه و غصب حقوق و اشاعه فحشاء نگردد. یکی از عواملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می‌گردد، وجود روحیه مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست. انسان تشنه دوستی و محبت است. انگیزه بسیاری از تلاش‌ها و زحمات طاق‌فرسای زندگی، محبت است و وجود آن در خانواده، انسان را به فعالیت و کسب معاش وامی‌دارد. از عوامل دیگر تحکیم خانواده می‌توان موارد زیر را نام برد: صبر و پایداری زندگی، روحیه عفو و گذشت، حاکمیت صداقت در فضای خانواده، پرهیز از سوء ظن و آفت حسد، رازداری و وفاداری، مشی آرام و بی‌تکبر، حلم و بردباری، ترس از کیفر الهی، دوری از افراط و تفریط، تواضع، دوری از سختگیری و اسراف و احسان به پدر و مادر.

واژه‌های کلیدی: تحکیم، خانواده، تقویت، نشاط، درون خانواده

مقدمه:

دین اسلام دین جامع و کاملی است که بر تمامی مسایل مربوط به زندگی دنیا و آخرت انسان نظر داشته و راهنمایی های لازم را برای سعادت او بیان نموده است. از جمله اموری که اسلام به آن ها اهمیت فراوانی داده و بر آن تأکید نموده شادی و نشاط است، چنانچه اسلام، یکی از نشانه های انسان مومن را گشاده رویی و بشاش بودن دانسته و دلیل این سفارشات این می باشد که شادی و نشاط، هم بر جسم موثر است و هم بر روح و این گونه می تواند سرچشمه بسیاری از نیکی های دیگر باشد تا انسان را به کمال برساند. از سویی دیگر، به موضوع خانواده و تحکیم پایه های آن نیز اهمیت فراوانی داده است، زیرا تمامی خصوصیات فردی و اجتماعی هر انسانی در خانواده پایه ریزی می شود و تحکیم خانواده، به منزله ی جامعه ی منسجم و سعادت مند می باشد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، هدف از پژوهش حاضر که از نوع تحقیقات توصیفی به شمار می رود، مطالعه و بررسی تأثیر شادی و نشاط بر تحکیم خانواده بر اساس آیات و روایات می باشد. روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای است به این صورت که با مراجعه به منابع روانشناسی و روایی، مطالب مرتبط با موضوع جمع آوری و طبقه بندی و تدوین گردیده است. مهم ترین نتایج به دست آمده بیانگر این است که، افراد باید شادی واقعی را شناخته و به آن دست یابند و با تقویت عوامل رسیدن به آن، موجب شادی و نشاط در وجود خود و دیگران شوند. از راه های اصلی برای ایجاد شادی و نشاط در خانواده ها، تقویت ایمان و باورهای دینی و اصلاح نگرش، نسبت به تمام مسایل پیرامون است و لازم به یادآوری است که، انسان به شادی واقعی نمی رسد مگر با شناخت صحیح نسبت به خداوند، خود و دنیا و در این صورت است که افراد می توانند با روحیه شاد، در راه رسیدن به کمال واقعی گام بردارند. خانواده هایی که از شادی واقعی مبتنی بر اسلام برخوردارند، روابط متقابل بین فردی، خانوادگی و اجتماعی همراه با شادی و نشاط واقعی با یکدیگر برقرار نموده و می توانند به عنوان خانواده سالم و متعادل گام بردارند. در این صورت آن ها کمترین مشکلات را داشته و هر کدام از افراد، نه تنها با انرژی های مثبت و لازم در مسیر تعالی قرار می گیرند بلکه موجبات راهنمایی و سعادت و پیشرفت سایر افراد جامعه را نیز فراهم می سازند.

تحکیم خانواده

تحکیم خانواده یعنی استحکام بخشیدن و تقویت روابط زن و شوهر در خانواده. در این مقاله عوامل تحکیم خانواده را بررسی می کنیم. برای یافتن اهمیت این بحث کافی است در پی پاسخ دادن به این سؤال برآییم که چرا در کشور ما آمار طلاق بیش از ۲۰ درصد است یا این که چرا انسجام و همدلی و وحدت لازم از بسیاری از خانواده های ما رخت بسته است؟ برای پاسخ دادن به این سؤال ها عوامل تحکیم خانواده را در چند بخش مطرح می کنیم. هر یک از این بخش ها که همگی برگرفته از روایات و سیره معصومان (ع) است مجموعه وظایفی است که زن و شوهر در قبال یکدیگر دارند. دسته نخست وظایف مشترک زن و مرد است. بخش دوم وظایف ویژه مردان و بخش آخر وظایف ویژه بانوان است.

وظایف مشترک برای تحکیم خانواده

در بخش وظایف مشترک زن و مرد، موضوعاتی مطرح می شود که فارغ از جنسیت زن و شوهر ملزم به انجام دادن آن هستند تا بنیاد خانواده از استحکام لازم بهره مند شود. در ادامه پاره ای از اهم این وظایف مطرح می گردد.

۱- اظهار محبت

از آداب مهم و بسیار سفارش شده در اسلام، اظهار محبت به یکدیگر است. حضرت امام موسی کاظم (ع) به نقل از رسول گرامی خدا (ص) می‌فرماید:

إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمَهُ فَإِنَّهُ أَصْلَحُ لِذَاتِ الْبَيْنِ

اگر یکی از شما برادر [دینی]ش را دوست دارد پس او را از [علاقه خود] آگاه کند؛ چرا که این کار پیوند دوستی [شان] را استوارتر می‌سازد.

به طور طبیعی هر انسانی همسر خود را دوست دارد. هر چند میزان علاقه انسان‌ها به همسرانشان متفاوت است، در وجود علاقه و دوستی میان آن دو شکی نیست؛ زیرا با او ازدواج کرده است پس روشن است که علاقه‌ای در میان آنان بوده که عامل این پیوند شده است. اما این دوستی همجنس دیگر علاقه‌های انسان از قبیل دوست داشتن مال و خانه و ماشین نیست. همسر او یک انسان است و دارای درک و شعور و عواطف بسیار لطیف و حساس؛ از این رو دانستن هر دو طرف به وجود و شدت این علاقه، تداوم بخش زندگی زناشویی است و سبب تحکیم خانواده است و کیفیت زندگی مشترک را چندین و چند برابر می‌کند. پیامبر اکرم (ص) مؤید این سخن می‌فرماید:

قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: إِنِّي أَحْبَبْتُكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا

[این] سخن مرد به همسرش که من تو را دوست دارم هرگز از قلبش بیرون نخواهد رفت.

برخی بر این باورند که زن‌داری صرفاً در تأمین رفاه و پول خلاصه می‌شود در حالی که این قطعاً کافی نیست. زن نیازهای عاطفی نیز دارد که شوهر او باید آن‌ها را برطرف کند، وگرنه زندگی آن‌ها به سردی و دلزدگی می‌گراید، که این می‌تواند آسیبی جدی برای بنیان خانواده باشد. پس این که مرد علاقه‌اش را به همسرش با زبان اعلام کند اهمیت بسیاری دارد. در گام بعدی باید این علاقه را در رفتار خود نشان دهد. پیامبر گرامی خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید:

إِذَا نَظَرَ الْعَبْدُ إِلَى وَجْهِ زَوْجِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِمَا نَظَرَ رَحْمَةٍ، فَإِذَا أَخَذَ بِكَفِّهَا وَأَخَذَتْ بِكَفِّهِ، تَسَاقَطَتْ دُنُوبُهُمَا

هرگاه بنده‌ای به همسرش [از سر محبت] نگاه کند و همسرش نیز به چهره او بنگرد، خداوند [متعال] نگاهی از سر رحمت به آنان می‌افکند. و اگر دستان همدیگر را بگیرند گناهان آنان فرو می‌ریزد.

نگاه محبت آمیز زن و شوهر به یکدیگر و اظهار محبت آنان به همدیگر، عبادت خدا به شمار می‌آید. چنین رفتار ساده‌ای چنان اجر والایی در نزد خدای متعال دارد که رحمت و نظر خدای متعال را جلب می‌کند و از آن ساده‌تر فشردن دست‌های همدیگر، آن اندازه در نزد خدای والا مرتبه ارزشمند است که به پاس آن، خداوند گناهان آنان را می‌بخشد. این آموزه از نکات درخشان دین ماست که حاکی از لطافت و ظرافتی است که در نگاه آن به جنبه‌های مختلف زندگی انسان وجود دارد.

این شیوه و مواردی بسیار زیباتر را می‌توان در رفتار حضرت صدیقه طاهره (س) با امیرمؤمنان علی (ع) پی‌جست. حضرت صدیقه (س) در گفتار خود با امیر المؤمنین (ع) تعابیر زیبایی به کار می‌برد، از قبیل: یا ابالحسن ... روحی لروحک و قاء و نفسی لنفسک فداء، یعنی علی جان، جان فدای شما، یا همان: جانم به قربانت! از آن سو حضرت امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: هنگامی که به چهره فاطمه نگاه می‌کنم غصه‌هاییم از بین می‌رود. با وجود زندگی ساده‌ای که آن دو بزرگوار داشتند و خانه‌ای که از لحاظ ساز و برگ زندگی بسیار مختصر و در نهایت سادگی بود و از تجملات رایج آن روزگار به دور، صمیمیت در زندگی آنان موج می‌زد، به طوری که حضرت امیر (ع) تنها با دیدن روی همسرش همه غم و غصه‌های خود را فراموش می‌کرد. طبیعی است که این زندگی با وجود سادگی و بی‌زرق و برق بودنش برای حضرت زهرا (س) بسیار دلپذیر است.

از مطالبی که گذشت هرگز در پی ستایش فقر و نداری نیستیم. در پسندیده بودن رفاه تردیدی نیست. مرد باید بکوشد زندگی نسبتاً مرفه‌ی برای همسرش مهیا کند. آنچه گذشت گزارش مطالبی بود در اهمیت و تأثیر واژگان محبت‌آمیز در مسائل زناشویی. زندگی انسان هر اندازه هم که مرفه باشد، اما در آن از محبت و اظهار آن خبری نباشد، همانند چوبی است که در کنار دیوار تکیه زده باشد و ارزشی ندارد. زمانی چوب ارزشمند خواهد بود که از آن وسیله‌ای بتراشند و نیازی را با آن برطرف سازند. این چوب اگر به دست هنرمندی صاحب ذوق بیفتد و با تراش و پرداخت آن، مجسمه یا ظرفی زیبا تولید شود، البته ارزش آن صدها و بلکه هزاران برابر خواهد شد. ماحصل بحث بررسی اصل محبت است که یکی از اصول انکارناپذیر حاکم بر زندگی خانوادگی و زناشویی است.

۲- خوش‌رویی

اصل دوم در تحکیم خانواده خوش‌رویی و خوش‌رفتاری است. پیغمبر اکرم (ص) درباره‌ی خوش‌رویی می‌فرماید:

حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ

خوش اخلاقی دوستی را استوار می‌گرداند.

روایات از پیامبر اکرم (ص) در این موضوع فراوان است. در پاره‌ای از این روایات حسن خلق عامل تکامل ایمان معرفی شده است. در روایتی آن حضرت بهترین مردان را: أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا مَعَ أَهْلِهِ (خوش‌رفتارترین آن‌ها با خانواده‌اش) معرفی می‌کند. در روایت دیگری ابوذر غفاری از پیامبر (ص) می‌پرسد:

يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَكْمَلُ إِيمَانًا؟ قَالَ: أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا؛ أَيُّ رَسُولِ خَدَا، كَدَامَ يَكُ مِنْ مُؤْمِنَانِ إِيمَانُ كَامِلٌ تَرَى دَارِدًا؟ حَضْرَتُ فَرَمُودُ: خُوش‌رِفْتَارْتَرِینِ آن‌هَا.

نیز در جای دیگری می‌فرماید:

أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي

مؤمن‌ترین مردم خوش اخلاق‌ترین آن‌ها و مهربان‌ترینشان نسبت به خانواده‌اش است، و مهربان‌ترین شما با خانواده‌اش من هستم.

شبهت داشتن به پیامبر (ص) البته مایه افتخار است. درباره‌ی حضرت علی اکبر (ص) فرموده‌اند که «أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ» بود. و از این حیث عزت و ارج بسیاری داشت. در روایاتی از پیامبر (ص) چنین آمده است:

إِنَّ جِبْرِيْلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ نَزَلَ عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَلَا وَ إِنَّ أَشْبَهَكُمْ بِي أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا

جبرئیل روح‌ال‌امین از سوی پروردگار جهانیان بر من فرود آمد و گفت: ای محمد، بر تو باد به خوش‌رفتاری، چرا که بد اخلاقی خیر دنیا و آخرت را از تو دور می‌کند و البته که مانند‌ترین شما به من خوش‌رفتارترین شماست.

تا این‌جا بحث درمی‌یابیم که بنای سیره‌ی اهل‌بیت (ع) بر خوش‌رفتاری و خوش‌رویی است. به عبارتی باید خوش اخلاق باشیم و خوش برخورد. از ذکر این آیه قرآن نمی‌توان چشم پوشید که فرمود:

«وَ عَاشِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُمْ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

با همسران خود با شایستگی رفتار کنید؛ و اگر به‌علتی از آنان خوششان نیامد [باز هم با شایستگی با آنان رفتار کنید] و چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خداوند در آن خیر فراوانی قرار می‌دهد.

به تعبیر دیگر حتی اگر از زنتان نفرت دارید باز هم بهتر است که خود را خوش‌خوی و خوش‌رفتار نشان دهید، چون گاه خداوند مصلحت بسیار بزرگی در آن قرار دهد و مایه خیر باشد؛ خیر کثیر و پرشمار و پرشکوهی در آن می‌نهد. مثل فرزندان صالح و نیکوکار و تأثیرگذار، درآمد خوب و مبارک، برکت فراوان در زندگی، خویشاوندان بسیار خوب، و مانند این‌ها. انسان نبایستی محدودنگر و فروبسته نگاه و تحلیل کند. باید همیشه به خوبی‌ها و بهترین‌ها بنگرد.

در حدیثی از حضرت امام صادق (ع) داریم که مرد در خانه به سه چیز نیاز دارد. اگر این سه خصلت و ویژگی را نداشته باشد بایستی با تلاش و کوشش در خود به وجود بیاورد: همزیستی و معاشرت نیکو و وسعت مقتصدانه در زندگی به گونه‌ای که نه اسراف باشد نه تنگی معیشت، و سومین ویژگی غیرتمندی همراه با ایجاد عوامل حفظ عفت، به گونه‌ای که مثلاً حجاب را رعایت کند و از معاشرت با نامحرم بپرهیزد. این سه ویژگی در حدیث آمده است.

۳- رعایت حقوق یکدیگر

این مورد سومین عامل تحکیم خانواده و وظیفه مشترک زن و مرد در خانواده اسلامی است. روشن و بدیهی است که افراد جامعه نسبت به یکدیگر حقوقی لازم الاجرا دارند که هیچ‌گریز و گزیری از انجام دادن آن‌ها نیست. اگر این حقوق رعایت نشود شیرازه جامعه می‌پاشد و آن جامعه نابود می‌گردد، و اگر رعایت شود، و افراد جامعه خود را متعهد و مسئول بدانند، در آن صورت هیچ رویداد اجتماعی ناخواسته‌ای روی نمی‌دهد. خانواده از مهم‌ترین واحدهای جامعه است و حقوق در آن نقش مهم‌تر و اساسی‌تری دارد. امام سجّاد (ع) در رساله حقوق، وظایف و حقوق همه اقشار جامعه را تبیین فرموده‌اند. به عنوان نمونه و مثال به بخش‌هایی از آن اشاره می‌کنیم؛ ایشان می‌فرمایند:

وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا
وَأَمَّا حَقُّ زَنٍّ بِهٖ عُنْوَانُ زَوْجِهٖ وَهَمْسَرُهَا أَسْتِ كِهٖ بَدَانِي وَ يَقِينُ كِنِي كِهٖ خَدَاوَنَدُ مَتَعَالَى أَنَّ رَا بَرَايَ تُو مَائِيَةَ أَرَامِشِ وَ اَنَسِ قَرَارِ
داده است.

او خدمتکار و کنیز نیست. کرامت خود را دارد و باید بدان احترام بگذاری. در ادامه می‌فرمایند:

...فَتُكْرِمُهَا وَ تَرْفُقُ بِهَا وَ إِن كَانَ حَقَّكَ عَلَيْهَا أُوجِبَ

پس بایستی او را اکرام کنی و با رفق و مدارا با او رفتار کنی، هر چند او نیز باید بداند که حق تو بر او بسی واجب‌تر و مهم‌تر است.

این نشان‌گر اهمیت خانواده در نظام حقوقی اسلام است. در حدیث آمده است:

مَلْعُونٌ مَّلْعُونٌ مِّنْ ... ضَيْعٍ مِّنْ يَّعُولُ

ملعون است، ملعون است، کسی که خانواده خود را رها کند و به آن بی‌توجه باشد.

بنابراین، روشن شد که این سه مورد از وظایف مشترک زن و مرد است. اظهار محبت، خوش‌خویی و رعایت حقوق متقابل یکدیگر.

۴- تأمین نیازهای زن‌شویی

چهارمین عامل تحکیم خانواده که اهمیت ویژه‌ای دارد تأمین نیازهای جنسی است. نمی‌گوییم که اصلی‌ترین هدف ازدواج تأمین نیازهای جنسی است، اما در کنار سایر اهداف است و اهمیت خاص خود را دارد. خانواده نهادی است که باید مسائل

جنسی و نیازهای طبیعی زناشویی زن و مرد را تأمین و برطرف نماید. باید این نیاز اولیه و طبیعی به صورت کامل برآورده گردد تا هیچ یک از طرفین هرگز مجاری و راه‌های دیگر را که نه طبیعی‌اند و نه شرعی و نه قانونی و عرفی، در ذهن خود نیاورد. در آمارها می‌خوانیم که چهل الی پنجاه درصد طلاق‌ها به سبب مسائل جنسی‌اند. این بدین معناست که غالباً با روش و شیوه درست ارتباط جنسی ناآشنایند و شیوه‌ای که به کار می‌گیرد نادرست و نارساست.

در این باره اسلام توصیه‌هایی می‌کند که کاربرت و عمل به آن‌ها مایه کامروایی جنسی است: آراستگی: هم زن خود را برای شوهر بیاراید و هم مرد برای زن. آراستگی را خاص همسر می‌داند نه مردم کوچه و خیابان. این شیوه بسیار نادرستی است که مردان و زنان در خانه ناآراسته باشند و به هنگام خروج از خانه خود را بیارایند. مقدمه فروپاشی پایه‌های بنیاد خانواده می‌تواند از همین جا باشد.

آراستگی، گرچه در زنان لازم‌تر و ضروری‌تر است، اما با این حال امری است دوسویه که هم زن بایستی بدان مقید باشد و هم شوهر. درباره سیره امیر مؤمنان (ع) چنین گزارش کرده‌اند که همواره به مردان فرمان می‌داد: لباس‌هایتان را بشوید؛ موهایتان را اصلاح و شانه کنید؛ مسواک بزنید؛ خود را بیارایید و همیشه آراسته و پاکیزه و تمیز باشید. بنی اسرائیل چنین نکردند و در نتیجه زانیشان آلوده‌دامن شدند.

نیز از مردان می‌خواست که برای همسرانشان بهترین شوهر باشند و می‌فرمود: بهترین شما کسی است که برای همسرش بهترین باشد و من برای خانواده‌ام بهترین هستم. وقتی که رسول اکرم (ص) از دخترش حضرت فاطمه (س) پرسید: همسرت را چگونه یافتی؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: خوب [یا بهترین] شوهر است.

آراستگی مرد برای زن خود باعث می‌شود که چشم و دل او سیر شود و هرگز به مردان نامحرم نگاه نکند. عین این آموزه را در روایتمان به صراحت تمام داریم:

تَهَيِّئْهُ الرَّجُلَ لِلْمَرْأَةِ مِمَّا تَزِيدُ فِي عِفَّتِهَا

این که مردی به خودش برسد و بیاراید باعث افزایش عفت همسر خود می‌شود.

به همین دلیل است که امام باقر (ع) محاسن خود را رنگ می‌کرد و می‌فرمود: این کار باعث افزایش عفت زن می‌شود. توجه به پاداش‌های معنوی و اخروی: برای تأمین نیازهای جنسی توجه به پاداش‌های معنوی و اخروی، لازم است. ما پیوسته و دمامد در پی عبادت و پرستش خدای متعال هستیم. حج، روزه، نماز، خوش اخلاقی، تقوا، و سایر امور عبادی و اخلاقی را انجام می‌دهیم، زیرا علاوه بر رضایت خدای متعال، پاداش اخروی نیز به دست می‌آوریم. ارتباط جنسی و تأمین نیازهای زناشویی نیز از جمله اموری است که پاداش اخروی و ثواب دارد.

ارتباط سالم و کامل با همسر نیز ثواب دارد و از اجر و پاداش آخرتی برخوردار است. رسول اکرم (ص) به ابوذر فرمودند که با همسر خود به خوبی ارتباط جنسی برقرار کن که ثواب دارد. اباذر با شگفتی‌زدگی پرسید: یا رسول‌الله، برای ارتباط جنسی با همسر مأجور و صاحب پاداش هستیم؟ حضرت فرمودند: بله. همان‌گونه که اگر به سراغ رابطه حرام و ممنوع بروی مجازات می‌شوی، اگر به جای آن، از حلال خدا استفاده کنی و سراغ رابطه حلال بروی از اجر و پاداش برخوردار خواهی شد.

گاه زن و مرد مسلمان به موضوع رابطه جنسی نگاه ساده و غریزی دارند و گمان می‌کنند که این موضوع فقط برای تأمین نیاز غریزی است، نه بیش‌تر از آن؛ حال آن‌که چنین نیست، بلکه نگاه دین به آن بسی فراتر و ارجمندتر است و آن را در ردیف عبادت‌ها جای می‌دهد و برایش پاداش و ثواب فراوانی مقرر کرده است. روشن است که اسلام ملاک کارها را نیت می‌داند.

شخص مسلمان با هدف معرفت و پرستش خدا هر کار مباحی کند باز هم پاداش دارد، زیرا در مسیر همان بندگی و معرفت می‌باشد.

رسول اکرم (ص) می‌فرمود: بهترین زنان شما زنی است که پارسا باشد و پرشهوته .
و می‌فرمود: بهترین زنان شما زنی است که هرگاه با همسرش خلوت کند، تن‌پوش حیا را از تن درآورد.
و نیز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: بهترین زنان شما خوشبو برای شوهر است...
بنابراین، بایستی دو طرف، هم زن و هم شوهر، با این نگاه عبادی و دارای اجر و پاداش، به موضوع نگاه کنند و برای انجام دادن آن مانع تراشی و بی‌توجهی و کم‌اعتنایی نکنند، به خصوص خانم‌ها. خانم بایستی برای تأمین این نیاز شوهر همواره آگاهانه به موضوع بنگرد و از بی‌دقتی و بی‌اعتنایی و کم‌اعتنایی بپرهیزد. برای همین است که رسول اکرم (ص) به بانوان می‌فرمودند:
لَا تُطَوِّلْنَ صَلَاتِكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ أَزْوَاجَكُنَّ

مبادا نمازهای خود را آن قدر طول دهید که مانع تأمین نیاز جنسی شوهران خود شوید.
این سخن رسول اکرم (ص) به طور خاص به کار آن بانوانی می‌آید که بر اثر کثرت عبادت از رسیدگی به شوهران خود باز می‌مانند. این سخنی است صریح و آشکار که نشان می‌دهد موضوع تأمین نیاز جنسی چقدر اهمیت دارد و در مقام مقایسه با مستحبات عبادی و عبادت طولانی، مهم‌تر و لازم‌تر است، و بایستی آن را بر سایر عبادات ترجیح داد.
نکته دیگر که مجال بیشتری می‌طلبد آن است که ارتباط جنسی و تأمین گرایز آداب ویژه‌ای دارد و بایستی به خوبی انجام شود و در روایات ما بر آن تأکید فراوانی شده است.

۵- همکاری سبب تحکیم خانواده

پنجمین عامل مشترک تحکیم خانواده و نظام بخشیدن به آن، همکاری است. اصل همکاری و به تبع آن همدلی و همسویی از امور مهم و اساسی است که در اسلام بر آن تأکید شده است. زن و مرد در خانواده و با هدف تحکیم آن بایستی در کنار سایر وظایف مشترکی که پیش‌تر گفته‌ایم، با هم همکاری و همدلی کنند.
اصل همکاری، چنان‌که بدیهی و آشکار است، بدین معناست که زن و شوهر با یکدیگر در زندگی مشترک خود همکاری داشته باشند. چنان‌که همة کارهای خانه بر شانه زن سنگینی کند و مرد هیچ کمک و یآوری نکند، و یا به عکس، همة کارهای بیرون بر عهده مرد باشد و در اموری که از توان و عهده زن برمی‌آید، زن هیچ‌گونه کمک نکند. تقسیم کارها خوب است و بدیهی‌ترین و بهترین تقسیم آن است که از در خانه به بیرون به عهده مرد باشد و از در خانه به درون همگی کارها به عهده زن.

امیر مؤمنان (ع) که در زندگی مشترک خود این تقسیم را طرح و اجرا کردند، با این حال چنان نبود که در خانه دست به هیچ کاری نزنند و هیچ‌گونه همکاری و معاونتی با همسر خود، حضرت فاطمه زهرا (ع) نداشته باشند. آن حضرت در محیط خانه همیشه همکاری می‌کردند و به یاری همسرشان می‌شتافتند. عدس پاک می‌کردند؛ جارو می‌زدند؛ و فرزندان را ننگه می‌داشتند.
رسول خدا (ص) به امیر مؤمنان (ع) فرموده‌اند:

يَا عَلِيُّ لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ

ای علی، هرگز کسی به خانواده خود کمک نمی‌کند مگر آن‌که صدیق یا شهید باشد.

الحق و الانصاف، این امور اندک و خرد نیستند، ارزشمندند. در روایت آمده است:

وَ أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَدَمْتَ زَوْجَهَا سَبَعَهُ أَيَّامٍ عَلَّقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ

زنی که هفت روز به شوهر خود خدمت کند، خداوند هفت در جهنم را به روی او می‌بندد.

از وظایف ویژه زن و مرد که مشترک‌اند، بحث رازداری، احترام متقابل، و رعایت اصل قناعت را می‌توان طرح کرد، که به سبب محدودیت از پرداختن به تفصیل بحث می‌گذریم. طبعاً علاقمندان این مباحث می‌توانند به آثار مکتوب، که کم نیستند، مراجعه کنند.

وظایف مردان برای تحکیم خانواده

آنچه بیان شد وظایف مشترک و دوسویه بود. اکنون به وظایف خاص و انحصاری می‌پردازیم؛ وظایفی که هر یک از زن یا مرد بایستی رعایت کنند، و وظایف مردان را مقدم می‌داریم. نخستین و شاید مهم‌ترین وظیفه آقایان تأمین نیازهای دینی و اعتقادی خانواده است. نقش مهم یک مرد در خانواده‌اش آن است که نسبت به همسر و فرزندان خود از حیث دینی حساس و مسئول باشد و در این امر هرگز اهمال و تنبلی نکند. خداوند سبحان می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتش دوزخ که سوخت آن آدمیان و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. در روایت آمده است که منظور از حفظ کردن خود و خانواده آن است که برایشان از خوبی‌ها، بدی‌ها، واجبات، محرمات، و مانند این‌ها بگوییم. از گناه و پیامدهای شوم آن و از دوزخ و دشواری‌اش بگوییم و از بهشت و واجبات و خوبی‌ها، برایشان مبنای اعتقادی به خصوص ولایت و توحید را تبیین کنیم و از خطرهایی که پیش روی آدمی است، و از دام‌های ابلیس سخن بگوییم، و از همه این‌ها مهم‌تر پیش از گفتن و بیش از آن، خود بدان عامل باشند، زیرا بهترین شیوه هدایت مردم، به خصوص خانواده، آن است که آنان را با عملکرد خودمان انجام دهیم. وقتی پدر خانواده نیکوکار باشد و از گناهان می‌پرهیزد و واجبات خود را به هنگام و دقیق و کامل انجام می‌دهد، طبعاً اعضای خانواده هم در پیروی از او، پایبند دین خواهند شد. نیز این فرمان خدای متعال در همین‌باره است:

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

خانواده خود را فرمانده بده که نماز را برپای بدارند و خود بر آن شکیبا باش.

در معارف قرآنی می‌خوانیم که وقتی که حضرت ابراهیم (ع) خانواده خود را به مکه آورد گفت: خدایا این‌ها را در این‌جا نهاده‌ام تا نماز را برپا کنند. به همین جهت در روایات ما بر این موضوع و فراخواندن همسر و فرزند به نماز، به فراوانی تأکید شده است. بنابراین، از وظایف قطعی مرد خانه آن است که خانواده خود را به عبادت و بندگی خداوند وادار کند.

وظیفه دوم مرد آن است که در خانواده خود امور فرهنگی و علمی را جدی بگیرد و نیازهای مربوط به فراگیری دانش و فرهنگ را تأمین نماید. در روایت آمده است:

أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ

فرزندان خود را گرامی بدارید و ادب و تربیت آن‌ها را به خوبی به عهده بگیرید.

وظیفه سوم پدر خانواده تأمین نیازهای اقتصادی و مالی است. در این‌باره روایات ما ملامت تأکید و ستایش است؛ بر اشتغال و درآمدزایی تأکید و افراد کاری و پرتلاش ستایش شده‌اند:

أَوَّلُ مَا يَوْضَعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ نَفَقَتُهُ عَلَى أَهْلِهِ

نخستین چیزی که از بنده در میزان عمل او نهاده می‌شود نفقه و خرجی اوست که برای خانواده مصرف کرده است.

نیز رضایت خدا و تقرب به او براساس همین آموزه تعیین می‌شود:

أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَىٰ عِيَالِهِ

آن که خانواده خود را بیشتر وسعت و رفاه می‌دهد نزد خداوند مقبول‌ترین افراد است.

چهارمین وظیفه مرد خانه تأمین نیازهای روانی و عاطفی است. کسی که فضای خانه را از شادی مالا مال کند و نوای رضایتمندی از یک‌یک افراد خانواده او شنیده می‌شود در تأمین امور روانی موفق بوده است.

پنجمین وظیفه مرد خانه غیرت‌ورزی است. غیرت یعنی حساسیت معقول. مرد باید غیور باشد و مثل مرزبانی هشیار و بیدار همواره در حفظ آبروی خویش بکوشد و لحظه‌ای غفلت نورزد.

تأمین نیازهای دینی و اقتصادی و علمی و حفظ روان خانواده و برخورداری از غیرت و آبروداری از وظایف قطعی مرد است که به او اختصاص دارد. مردی که در این امور، یا یکی از آنها، کم کاری و کاهلی و بی‌توجهی کند، در وظایف اختصاصی خود ناکام و ناموفق بوده است و آن که مسئولانه نگهبان این وظایف باشد، مرد موفق و سعادت‌مندی خواهد بود.

وظایف زنان برای تحکیم خانواده

اکنون به مجموعه‌ای از وظایف ویژه زن در خانه می‌پردازیم؛ وظایفی که خاص آنان است و بایستی در اجرای آنها با جدیت بکوشند.

۱. پذیرفتن مدیریت مرد: این یک حقیقت معقول و طبیعی است که در قرآن بر آن تأکید شده است:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ»

مردان بر زنان برتری دارند چرا که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده است.

مرد، نگهبان و پاسدار زن است. خانواده اجتماعی کوچک است که اولین واحد اجتماعی، و در عین حال مهم‌ترین واحد دانسته شده است، که آدمی از آن جا وارد واحدهای اجتماعی دیگری می‌شود و به محله، مدرسه، شهر و جامعه پا می‌گذارد. در اجتماع کوچک خانواده، مرد در حکم پادشاه است و زن ملکه. بالاخره باید معلوم شود که مدیریت در خانواده با چه کسی است. منظور از مدیریت تحکم و زورگویی و اجبار نیست. منظور آن است که اداره خانه با مرد باشد و اوست که در بحران‌ها و ضرورت‌ها حرف نهایی را بزند، و سخن پایانی را بگوید. اوست که تصمیم‌گیری را به عهده دارد. قَوَّامُونَ به معنای خود کامگی نیست. به معنای عامل اساسی استواری و ثبات است. در قرآن همین معنا را درباره کعبه می‌خوانیم:

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ

خداوند کعبه را آن خانه محترم را وسیله قوام و برپایی معیشت و سامان دنیا و آخرت مردم قرار داد.

هم‌چنین وقتی که می‌گویند مال باعث قوام زندگی است، یعنی ثبات و بقای و سلامتی زندگی را تأمین می‌کند. مرد در خانواده موظف است که بقا و ماندگاری را تأمین کند.

وظیفه دوم خانم‌ها آن است که در غیاب شوهر امانتداری کنند. خداوند می‌فرماید:

«فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»

پس زنان شایسته و درست‌کار، فرمانبردار [او مطیع شوهر]ند [و] در برابر حقوقی که خدا [به نفع آنان برعهده شوهرانشان] نهاده است، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می‌کنند.

این وظیفه حفظ و امانتداری، از اموری است که اگر رعایت نشود مایه فروپاشی خانواده می‌شود. زن امانتدار خانه و محرم خانه است و باید تمام رازها و داشته‌های شوهر خویش را مثل امانتی گران بها حفظ کند و هرگز رازها را افشا نکند. وظیفه دیگر آن است که زن، همیشه و در هر حال خود را متعلق به شوهر خود بداند. برای این کار بایستی حجاب خود را به خوبی حفظ کند و نگذارد نامحرمان از جسم و زیبایی او بهره‌ای ببرند. با نامحرمان گفت‌وگو نکند. در دنیای مجازی نیز نبایستی به نامحرم راه دهد که تصویر یا علایق و روحیات او را بفهمد و از ارتباط این چنینی بپرهیزد. به هر روی زن باید خود را به شوهر خود متعلق بداند و این امر در تحکیم خانواده بسیار موثر است.

نهاد خانواده در اسلام قداست دارد و احترام ویژه‌ای به آن نهاده شده است. طلاق امری است نکوهیده و ناپسند که منفورترین عمل به شمار می‌آید. در روایت هم چنین تعبیر شده است: طلاق مبعوض‌ترین حلال است. وجود احکام طلاق در اسلام برای آن است که در ناچاری و رسیدن به بن‌بست از آن استفاده شود، وگرنه، مایه لرزش عرش خداست. زن و مرد بایستی در بروز ناملایمات و امور ناخواسته تغافل کنند و خود را به ندیدن و نشنیدن بزنند. صبر و شکیب و تغافل و گذشت می‌تواند از طلاق پیشگیری کند.

عوامل تحکیم خانواده در اسلام

عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند که در ذیل به مهم‌ترین آنها پرداخته شده است:

۱- حُسن معاشرت، تضمین تحکیم خانواده

حکما در حکمت عملی، تدبیر منزل را بر سیاست مُدُن مقدم می‌دانند و البته تهذیب اخلاق بر تدبیر منزل نیز مقدم است. در حکمت عملی، اول فرد را مهذب می‌سازند تا خانواده‌ای بنا کند و به تبع آن، خانواده‌های تدبیر یافته و سامان گرفته جامعه‌ای زنده و سالم بسازند. جامعه سالم و زنده با صنعت و ماشین به دست نمی‌آید، بلکه مناسبت‌های اخلاقی و روابط حسنه الهی سازنده جامعه سالم و زنده است. ویل دورانت می‌گوید: «در میان جنگ‌ها و ماشین‌ها چنان غرق شده‌ایم که از درک این حقیقت بی‌خبر مانده‌ایم که در زندگی، واقعیت اساسی، صنعت و سیاست نیست، بلکه مناسبت‌های انسانی و همکاری افراد خانه از زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان است» (ر.ک؛ دورانت، ۱۳۷۱: ۶۵-۸۱).

از ویژگی‌های انسان، تمایل و نیاز او به معاشرت است و از معاشرت، جز محبت دیدن و محبت ورزیدن انتظار ندارد، چرا که خلقت انسان بر اساس عشق و محبت است و همین بهترین انگیزه او در هر گونه تلاشی است. گرچه انسان عموماً در تشخیص عشق حقیقی به بیراهه می‌رود، اما عشق‌های صوری یا حتی باطل هم این خاصیت را دارند که انسان را به تکاپو وادارند و امیدوار و مجذوب کنند. خداوند متعال رفتارها و برخوردهای صحیح انسانی را در خانواده با «حُسن معاشرت» معرفی می‌فرماید و از مرد و زن، رعایت آن را با میزان «معروف»، یعنی رفتاری پسندیده و انسانی می‌خواهد: «...وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا: ... و با آنها سخن شایسته بگویید» (النساء/۵)؛ «...وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...: ... و با آنان به گونه شایسته رفتار کنید...» (همان/۲۱).

حُسن معاشرت در خانواده، در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود و «تعبیر حُسن معاشرت که به عنوان یک وظیفه برای شوهر و یک حق برای زن مطرح می‌شود و عامل تحکیم زندگی خانوادگی است، اگر به خوبی باز شود، نشان‌دهنده تمام آن اموری است که مرد در برابر زن باید انجام دهد. در «نفقه» همه نیازمندی‌های جسمی زن باید تأمین شود و در «حُسن معاشرت» همه نیازمندی‌های روحی او» (بهشتی، ۱۳۶۱: ۱۵۳).

حساسیت محیط خانواده، اهداف بلندمدت و مقدس آن اقتضا می‌کند که همسران بیشترین دقت را در رعایت حسن معاشرت با یکدیگر داشته باشند و از خانه فضایی سرشار از انس و ملاحظت بسازند.

۲- حکومت نظم و انضباط در میان اعضای خانواده

در قرآن توصیه‌های مکرری به تقوا در تشکیل خانواده شده است، چنان که می‌خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. نیز از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترف هستید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز از قطع رابطه با) خویشاوندان خود پرهیز کنید؛ زیرا خداوند مراقب شماست ﴿النساء/۱﴾.

اسلام در هیچ یک از حوزه‌های جامعه خود به هرج و مرج معتقد نیست، بلکه همواره خواستار نظم و انضباط در همه ابعاد فردی یا همگانی است. در واقع، اسلام در تشکیلات خود از رهنمودهای آسمانی مایه می‌گیرد که در آن محدودیت‌های قومی، اقلیمی و یا نژادی و امثال آن وجود ندارد؛ زیرا این رهنمودها را باری تعالی وحی و الهام کرده است.

۳- توجه به یکسانی در آفرینش

از مشخصات اساسی در قانون‌گذاری الهی این است که در اینگونه قانونگذاری قانون از اصل توحید نشأت گرفته است؛ به عبارت دیگر، از ارتفاعی فراتر از همه موانع و قید و بندهایی که در جوامع انسانی وجود دارد و ما امروز به خوبی درمی‌یابیم که همه گرفتاری‌هایی که بشر بدان دچار شده است و تا به امروز با آنها دست به گریبان بوده، از همین قید و بندها پدید آمده است (مانند تعصب‌های نژادی، قومی و اقلیمی و طبقاتی و غیر آن) ما به خوبی دریافته‌ایم که اینها موانع و گردنه‌هایی است در راه آدمی که رسیدن او را به سعادت و پیشرفت دشوار می‌نماید (ر.ک؛ تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۵). از این روست که همه توجه قرآن به این است که بگوید همه مردم - از زن و مرد - از یک تن آفریده شده‌اند.

۴- همکاری و همدردی

همکاری و همدردی با خانواده باید در چارچوب آیین خدا باقی بماند و وسیله فساد، رشوه و غصب حقوق و اشاعه فحشا نگردد. از این رو، نخست از تقوای خدایی سخن گفت و آن را مرکز سازمان و سامان اجتماعی قرار داد، سپس به بیان اهمیت خویشاوندان و نزدیکان پرداخت. تعبیر قرآن در عبارت «تَسَاءَلُونَ بِهِ» بدین معنی است که خدا مقیاس نهایی و آخری است که می‌توان آن را مرکز تعاون اجتماعی قرار داد. پس هرگاه یکی از دیگری چیزی بخواهد و نداند که آن را برآورده می‌سازد یا نه، چگونه می‌تواند به اثبات رساند که آنچه خواهد گفت درست است یا دروغ می‌گوید. در اینجا راهی نیست، جز آنکه به خدا سوگند خورد و ضمیر و فطرت مؤمن او با خداوند مشورت کند و از خود برای خود نگرانی قرار دهد. جامعه انسانی که از ایمان بهره یافته، می‌تواند میان فرزندان خود بر اساس عدالت و مساوات، تعاون حقیقی ایجاد کند، ولی اگر جامعه ایمان نداشته باشد، هر گونه سازمان و سامان چیزی جز نقشی بر روی کاغذ نخواهد بود که بازیچه دست مردم است؛ همانند تویی در دست

بازیکنان (ر.ک؛ همان: ۱۷). از اینجاست که می‌گوییم باید جامعه اسلامی بر بنیان ایمان و تقوی بنا شود: ﴿...إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا... هر آینه خدا مراقب شماست﴾.

۵- مشاوره با یکدیگر

یکی از عواملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می‌گردد، وجود روحیه مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست. مولی علی (ع) می‌فرماید: «وَلَا ظَهَرَ كَالْمُشَاوِرَةِ: هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (نهج البلاغه/ ح ۵۴). در طول تاریخ زندگانی بشر نیز بهترین و مستحکم‌ترین کانون‌های خانوادگی آنهایی بوده‌اند که در آن، زن و شوهر و فرزندان با همفکری و همکاری حرکت نموده‌اند. نمونه بارز و برترین الگوی آن در زندگی امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) به چشم می‌خورد.

۶- وجود عشق، مهر و محبت میان اعضای خانواده

انسان تشنه دوستی و محبت است. انگیزه بسیاری از تلاش‌ها و زحمات طاقت‌فرسای زندگی، محبت است و وجود آن در خانواده، انسان را به فعالیت و کسب معاش وامی‌دارد. حفظ حرمت و شخصیت دیگران، در گروهی احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد. رعایت این مسأله، به‌ویژه از سوی کسانی که با هم آنس و الفتی دارند، باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است. در واقع، اخلاق نیک به مثابه روغنی است که از سایش و فرسودگی قطعات انسانی در اثر برخورد و اصطکاک مداوم جلوگیری می‌کند. امام صادق (ع) بر کوشش در مهرورزی نسبت به برادران دینی تأکید نموده است و چه نیکوست که این امر از خانواده آغاز گردد: «شایسته است مسلمانان در یاری بر مهر ورزیدن به هم کوشا باشند که خدای عزّ و جلّ فرموده است: ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۹۶). مهر و محبت اعضای خانواده به هم سبب جلب رضایت و رحمت خدا می‌شود که بدیهی است چنین خانواده‌ای پایدار و سعادتمند است. امام سجّاد (ع) در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حقّ همسرت آن است که بدانی خداوند عزّ و جلّ او را مایه سکون و همنشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرمی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هر چند حقّ تو بر او بیشتر است، اما حقّ او بر تو این است که با او مهربانی کنی» (حرّانی، ۱۳۶۳: ۲۶۲). علاوه بر همدلی و همراهی تقدّس حقّ شوهر بر زن چنان والاست که هم‌ردیف شرکت در جهاد فی سبیل‌الله قرار گرفته، چنان‌که امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ: جهاد زن، نیکو همسراری کردن است» (نهج البلاغه/ ح ۱۳۶).

۷- آشنایی کامل اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود

در اینجا یک اصل اساسی است که نظام حقوقی بر آن تأکید دارد و آن اینکه هر جا وظیفه‌ای وجود دارد، در کنار آن حقّی هم ثابت است. حقّ و وظیفه از هم جدا نیستند؛ یعنی هر کس حقّی داشته باشد و در مقابل نیز وظیفه‌ای دارد و بالعکس. این موضوع در مورد تمام افراد بشر ثابت است و تنها خداست که حقوقی دارد، اما وظیفه‌ای بر او نیست. در اینجا به انواع حقوق اعضای خانواده و تأثیر آنها در استحکام خانواده به اختصار اشاره می‌گردد:

الف) حقّ والدین بر فرزندان

امام سجّاد(ع) در رساله حقوق خود حقّ پدر و مادر بر فرزندان را اینگونه بیان می‌فرماید: «حقّ مادرت این است که بدانی او تو را حمل کرده، آنگونه که کسی کس دیگر را حمل نکند و از شیرۀ جانش تو را خورانده، آنگونه که کسی دیگری را نخورانده است و به راستی، او با گوش، چشم، دست، پا، مو، پوست و تمام اندامش تو را نگهداری کرده است و از این نگهداری نیز خشنود و شاد و پیوسته در کار بوده است. حقّ پدرت این است که بدانی به راستی او ریشه توست و تو شاخه اوئی و چون او نبود، تو نیز نبود. پس هرگاه در خویش چیزی دیدی که پسندیده آمد، آگاه باش که این نکویی در تو ریشه در پدرت دارد. بنابراین، خدای را ستایش نما و به اندازه آن نکویی، سپاسش دار، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (حرّانی، ۱۳۶۳: ۲۶۳). از اینجاست که انسان درمی‌یابد که چرا خداوند مسأله نیکویی به پدر و مادر و شکر زحمات آنها را مقدمه‌ای بر شکر خود شمرده است.

در کتاب آسمانی قرآن، دستور احترام به پدر و مادر پس از مسأله توحید بیان گردیده است و این نشان‌دهنده اهمیت این حکم است. خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا: و پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکویی کنید. هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها نزد تو به سنّ پیری رسند، کمترین اهانت به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزین و گفتار لطیف، سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو * و نیز بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا! همانگونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، ایشان را مشمول رحمت قرار ده﴾ (الإسراء/ ۲۴-۲۳).

در این آیات سه دستور مهم در باب نحوه رفتار با والدین آمده است:

الف) به کار نبردن کمترین تعابیر بی‌ادبانه (یعنی «أف»)، چه رسد به فریاد زدن بر آنها.

ب) خضوع در برابر پدر و مادر.

ج) دعا در حقّ ایشان (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۴، ج ۱۲: ۷۶-۷۵).

یکی از عوامل صلح و صفا، آرامش و امنیت و تحکیم روابط در میان اعضای خانواده، احترام، تکریم و احسان به مفهوم قرآنی آن به پدر و مادر است. اینها دستور ویژه قرآن بعد از عبادت خداوند یکتا است.

ب) حقّ فرزندان بر والدین

در این باره نیز امام سجّاد(ع) در رساله حقوق فرمودند: «حقّ فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر دنباله‌روی توست و به درستی که تو در تربیت نیکو و راهنمایی به سوی پروردگارش و یاری‌رسانی او در فرمان‌پذیری از خداوند نسبت به خویشتن و حقّ فرزندت پرسیده خواهی شد. پس [اگر وظایف‌ها را به انجام رسانی،] پاداش گیری و [چون کم‌کاری کنی،] بازخواست شوی. پس کار فرزندت را چونان کسی که کارش را در این سرای زودگذر با نیکو ثمری بیاری، انجام بده و در روابط تو و فرزندت به سبب نگهداری خوب و ثمر الهی که از او گرفته‌ای، نزد پروردگار عذرت پذیرفته است» (همان: ۴۶۱).

ج) وظیفه هر یک از زن و مرد نسبت به کلّ خانواده

خداوند در قرآن کریم به دنبال اخطار و سرزنش نسبت به بعضی از همسران پیامبر (ص)، خداوند در آیات سوره تحریم روی سخن را به همه مؤمنان کرده، دستورهایی درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آنها می‌دهد، نخست می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ...﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگهاست نگه دارید...﴾ (التحریم/ ۶).

نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است و نگهداری خانواده به تعلیم، تربیت، امر به معروف، نهی از منکر و فراهم ساختن محیط پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج و آنگاه نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود؛ به تعبیر دیگر، حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی، مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن، تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است.

مهم‌ترین وظایف متقابل همسران

رعایت وظایف متقابل از سوی دو همسر تأثیر بسزایی در تحکیم و پایداری خانواده دارد و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

۱- حفظ از انحراف

خداوند در یک کلام، حق و وظیفه میان زن و شوهر را روشن نموده است: ﴿...هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ...﴾ ... آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (و هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید) ...﴾ (البقره/ ۱۸۷). لباس از یکسو، انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند و از سوی دیگر، عیوب او را می‌پوشاند، و نیز زینتی است برای تن آدمی. این تشبیه که در آیه فوق آمده، اشاره به همه این نکات است. دو همسر یکدیگر را از انحرافها حفظ می‌کنند، عیوب هم را می‌پوشانند، وسیله راحت و آرامش یکدیگرند و هر یک زینت دیگری محسوب می‌شود. این تعبیر نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آنها به یکدیگر و نیز مساوات آنها را در این زمینه کاملاً روشن می‌سازد؛ زیرا همان تعبیر که درباره مردان آمده، بدون هیچ تغییر درباره زنان هم آمده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۴، ج ۱: ۷۳۳).

بر اساس این آیه و نیز آیات و روایات دیگر، همسران مایه زینت هم هستند و عیب‌های یکدیگر را می‌پوشانند و یکدیگر را محافظت می‌کنند و از گناه بازمی‌دارند.

۲- صبر و پایداری زندگی

در قرآن به دفعات به صبر و بالا بردن سطح مقاومت بارها سفارش شده است: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...﴾ از صبر و نماز یاری جویید...﴾ (البقره/ ۴۵). بر اساس این آیه، قرآن به صبر و شکیبایی فراخوانده است. آموزه و توصیه اسلام و قرآن در عرصه‌های زندگی پُرغوغا و پُرآشوب، کسب صفات ایمان در برابر کفر و بی‌دینی، عمل و کار نیک در برابر بی‌عملی و بی‌تقوایی، پیروی از حق و حقیقت در برابر باطل و ناحق، و صبر و مقاومت در برابر مشکلات و مصایب است: ﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾: سوگند به عصر * که انسان‌ها همه در زیانند، * مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش می‌کنند و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه می‌نمایند﴾ (العصر/ ۱-۳).

بی‌تابی و بی‌طاقتی مصیبت و مشکلات انسان را افزون می‌کند. امام کاظم(ع) فرمودند: «الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلْجَائِعِ اثْنَتَانِ: مصیبت برای شخص بردبار یکی است و برای شخص بی‌قرار دو تا» (حرآنی، ۱۳۶۳: ۴۱۵). این از آن روست که برای فرد شکیباً تنها آسیب ناشی از مصیبت باقی می‌ماند که آن هم در اثر صبر، از هم فرو می‌پاشد. چنان‌که امام علی(ع) فرمودند: «الصَّبْرُ يَمَحُصُ الرِّزْيَةَ: شکیبایی مصیبت را از هم می‌پاشد» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۸۴). اما برای فرد بی‌قرار و بی‌تاب، هم آسیب ناشی از مصیبت می‌ماند و هم آسیب‌های ناشی از بی‌تابی‌ها، لذا اگر بی‌تابی بر کسی چیره شود، روی آسایش را نخواهد دید.

۳- روحیه عفو و گذشت

گذشت عاملی مؤثر در ایجاد و تقویت دوستی‌ها و روابط حسنه است، چنان‌که خداوند می‌فرماید: «هرگز نیکی و بدی یک سان نیست. بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است» (الفصلت/۳۴). لذا اگر در دشمنی‌ها، گذشت و بزرگواری چنین تأثیری می‌گذارد، بدیهی است در خانواده که به طور طبیعی روابط دوستانه وجود دارد، عمیقاً کارساز خواهد بود. اما خود این گذشت‌ها و بزرگواری‌ها از ایمان و تقوای اعضای خانواده سرچشمه می‌گیرد.

۴- حاکمیت صداقت در فضای خانواده

حاکمیت صداقت در فضای خانواده از عوامل تحکیم آن است و نیاز به دلیل و بینه ندارد. در طرف مقابل، عدم صداقت و دروغ‌گویی از عوامل تخریب خانه و خانواده است. عدم صداقت، و دروغ‌گویی، ابتدا روح و شخصیت خود فرد را تخریب می‌سازد، سپس به خانواده و جامعه او زیان وارد می‌نماید. کذب و دروغ مخرب و ویرانگر استحکام خانواده است. روایات زیادی در قبح و زشتی کذب و عدم صداقت نقل شده است. امام باقر(ع) می‌فرماید: «پدرم، امام سجّاد(ع) می‌فرمود: «از دروغ، کوچک و بزرگش، بپرهیزید؛ زیرا وقتی انسان در امور کوچک دروغ بگوید، بر دروغ بزرگ هم جرأت پیدا می‌کند. آیا نمی‌دانید که پیامبر(ص) می‌فرمود: اگر انسان همیشه اهل صدق و درستی باشد، خداوند می‌نویسد او صدیق است و اگر انسان اهل کذب و دروغ باشد، خدا می‌نویسد، او کذاب است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۳۹ و ۳۴۰).

امام صادق(ع) می‌فرماید: «آدم کذاب، پُر دروغ، به‌وسیله دلایل آشکار هلاک می‌شود و پیروان خویش را هم به‌وسیله شبّهات نابود می‌کند» (همان). بنا بر این روایات، کذب در باز کردن درهای شرّ و بدی، گناهی است که ایمان را از بین می‌برد. پس چگونه می‌توان انتظار داشت به خانواده‌ای که باید بر مبنای ایمان شکل بگیرد، صدمه وارد نسازد.

۵- پرهیز از سوء ظنّ آفت حسد

اعضای خانواده باید از سوء ظن نسبت به هم بپرهیزند و اگر موضوعی ذهن آنان را به خود مشغول کرد، با صراحت و صداقت آن را مطرح نمایند تا درستی یا نادرستی آن بررسی گردد. همه اعضا باید یار هم در مسیر پیشرفت باشند، چرا که سعادت خانواده در گرو سعادت فرد فرد آن است و حسد آفتی در روابط خانوادگی محسوب می‌گردد، چنان‌که در خانواده یعقوب(ع)، حسادت برادران یوسف(ع) بر او موجب جدایی اعضای خانواده از یکدیگر، هم به لحاظ بُعد مکانی و هم بُعد روحی و روانی گردید و یوسف(ع) از کانون خانواده جدا شد و یعقوب(ع) سال‌ها از پسرانش رنجیده بود. در حدیثی از مولی امیرالمؤمنین(ع) آمده است: «الْحَسَدُ يَنْكُدُ الْعَيْشَ: حسد زندگی را تنگ سازد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ح ۸۵۱).

۶- رازداری و وفاداری

وفاداری از شروط همسری و عضویت در خانواده است و رازداری هم یکی از مهم‌ترین شروط وفاداری همسر است که در آیه (التحریم/۳) بدان اشاره شده است. این نکته نیز بسیار اهمیت دارد که آتش خیانت، تمام خانواده‌ها را تهدید می‌کند، چرا که انبیاپی چون نوح (ع) و لوط (ع) از سوی همسران خود بدان مبتلا گردیدند (همان/۱۰). به هر روی، وفاداری اعضای خانواده سبب ایجاد صمیمیت و محبت می‌گردد و نیز سپری است محکم در برابر مشکلات، سختی‌ها و پشتیبانی است پایدار برای استحکام بنیان خانواده و تحکیم آن که در این زمینه هم پیش از این بحث شده است.

نقش تعالیم اسلامی در تعالی فکر و استحکام خانواده

بشر همواره در دوره حیات خود از کم و کیف تعلیم و تربیت پیگیری کرده است. تأمل و دقت در اندیشه متفکران، متألهان و عالمان تربیت نشان می‌دهد که آنان تعلیم و تربیت را مرتبط با هدف و فلسفه حیات مورد توجه قرار داده‌اند.

پرسش از تعلیم و تربیت انسان و سؤال از هدف زندگی در عصر تجدد به دلیل روابط مادی انسان با طبیعت، بی‌اهمیت تلقی شده است. یکی از آثار شوم توجه نگردن به کار تعلیم و تربیت درست، رهاشدگی انسان به حال خود، هواپرستی و پیروی از تمایل‌های نفس و طغیانگری است. یکی از عوامل اساسی رواج طغیان و بی‌بند و باری‌هایی که قرن ما را دچار آشفتگی‌های جنون‌آمیز نموده، بی‌اعتنایی به معصیت و گناه است (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۵۸، ج ۳: ۳۲۹). نامی که بر عصر حاضر گذاشته‌اند، عصر تزلزل ارزش‌هاست که دیگر ارزش‌های اخلاقی معنی ندارد، چون ارزش‌هایی که ملاک اخلاق بود، از میان رفته است. می‌توان گفت کسانی که مادی فکر می‌کنند، ارزش‌های اخلاقی را خیلی پایین آورده‌اند. نیهیلیسم مکتبی است که به هیچ اصل و ارزش اعتقاد ندارد (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۶۲: ۵۹).

در تعالیم دینی، ایمان، عشق و محبت به خدا، مبنا و انگیزه ارزش‌های الهی و عمل به دستورهای الهی می‌گردد. در نتیجه، فضایل اخلاقی جای رذایل و اعمال هوس‌آلود را می‌گیرد و بحران‌های اخلاقی و تربیتی از میان برمی‌خیزند؛ زیرا که در تعالیم دینی انسان از سر اختیار، عشق و معرفت به دستورهای الهی گردن می‌نهد و گوش انسان مؤمن به ندای وجدان، فطرت و انبیاء است، نه ندای شیطان، شهوت و لذت.

موضوع دیگری که در تربیت آدمی، به‌ویژه کودک و جوان در جامعه ما از اولویت خاصی برخوردار است، این است که کودک و جوان را با تعالیم و اندیشه‌های اسلام آشنا سازیم و به او بفهمانیم که اسلام دین زندگی است و می‌تواند سعادت انسان در این جهان را تأمین کند. باید این حقیقت را به کودکان و جوانان یاد داد که برنامه‌های دینی علاوه بر فواید اخروی در این جهان نیز موجب سعادت و امنیت انسان است. برای این منظور لازم است کودک و جوان را با تعالیم زنده و مخصوصاً تعالیم اجتماعی اسلام آشنا کنیم.

منابع:

قرآن کریم.

۱. بهشتی، احمد. (۱۳۹۹). خانواده در قرآن ۳. قم: انتشارات طریق القدس.
۲. تفسیر هدایت. (۱۳۹۹). گروه مترجمان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۹۸). غُررُ الحِکْم و دُررُ الکَلِم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. جعفری، محمدتقی. (۱۳۹۸). ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۸). نگرش گذرا به مقام زن در جهان آفرینش. تهران: مؤسسه انتشارات هادی.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۰). زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء.
۷. جهانفر، محمد. (۱۴۰۰). مبانی جمعیت‌شناسی. ناشر: دهخدا.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۹۹). آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (ع) [برگزیده وسائل الشیعه]. ترجمه محمدعلی فارابی و یعسوب عباسی علی‌کمر. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. _____ . (۱۴۰۹ق). وسایل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۰. حرّانی، حسن بن علی. (۱۳۹۹). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۱۱. حسینی، اکرم. (۱۴۰۰). «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. شماره ۲۶. صص ۸۱-۴۶.
۱۲. دورانت، ویل. (۱۴۰۰). لذات فلسفه. ترجمه عباس زریاب. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۱۳. رحیمی یگانه، زهرا. (بی‌تا). خانواده موفق. اصفهان: انتشارات حدیث راه عشق.
۱۴. شریعتی، علی. (۱۴۰۰). فاطمه فاطمه است. تهران: انتشارات شب‌دیز.
۱۵. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۷ق). نهج‌البلاغه. نسخه صبحی صالح. بیروت: بی‌نا.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۹). المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین.
۱۷. _____ . (بی‌تا). اسلام و اجتماع. قم: جهان‌آرا.
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۴ق). مکارم الأخلاق. چاپ اول. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۹. _____ . (۱۳۹۵ق). مجمع البیان. تهران: منشورات اسلامیّه.
۲۰. غزالی، محمد. (۱۳۹۹). کیمیای سعادت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. غلامی، یوسف. (۱۳۹۹). اخلاق و رفتارهای جنسی. قم: دفتر نشر معارف.
۲۲. کلینی، محمد. (۱۳۹۸). اصول و فروع کافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۴. مشکینی، علی. (۱۴۰۰). ازدواج در اسلام. ترجمه احمد جنتی. قم: دفتر نشر الهادی.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۸). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات حکمت.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۹۹). تفسیر نمونه. تهران: منشورات دارالکتب الإسلامیه.
۲۷. موسوی خمینی (ره)، امام روح‌الله. (۱۳۹۹). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۸. مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۴۰۰). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. ج ۱۳. چاپ اول. قم: آل‌البیت لإحیاء التراث